درنگ

دوره صفویان و تحقق ایده-واقعیت ایران

ایرا: صفویان از منظر برخی استادان تاریخ، بازتولیدکننده و تنوع‌بخش ایده-واقعیت ایران سیاسی بودند. مفهوم و ایده ایران به طور برنرنگی در این دوره ظهور و بروز پیدا می‌کند و مسئله مرز اهمیت می‌یابد. «حکومت صفویه و نسبت آن با ایران معاصر» عنوان نشستی است که به‌تازگی به همت گروه تاریخ و باستان‌شناسی خانه اندیشمندان علوم انسانی با همکاری انجمن ایرانی تاریخ در سالن حافظ خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد.

«سیدهاشم آقاجری» و «مقصودعلی صادقی‌گندمانی» اعضای هیئت‌علمی گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، در این نشست به سخنرانی پرداختند که مهم‌ترین بخش‌های آن را در ادامه می‌خوانید. آقاجری در این نشست گفت: شاید اگر صفویان نبودند، تقدیر تاریخی ما مشابه دیگر ملل خاورمیانه بود که در امپراتوری عثمانی ادغام شدند. صفویان کمک کردند که در این تاریخ ملی از قرن دهم به این سو گسست اتفاق نیفتد. صفویه در دوره‌بندی تاریخی ایران به عنوان یک نقطه عطف و دوره جدید مفهوم‌پردازی می‌شود.

آقاجری معتقد است که برای رویارویی و فهم و درک موقعیت تاریخی ایران عصر صفوی و نسبتی که با کنون ما برقرار می‌کند، باید موضوع را از چند منظر و رویکرد مورد تأمل قرار داد که الزاما وضعیت هرکدام از این رویکردها مشابه و یکسان نیست.

عضو هیئت‌علمی گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس می‌گوید: هرچند که مانند هر دوره تاریخی نهایتا وجوه حیات جمعی جامعه در یک نقطه هماهنگ می‌شوند، اما الزاما وجود کیونائوس جامعه در همه لحظات تاریخی خودش ممکن است هم‌فاز نباشد؛ یعنی نوعی اختلاف سطح وجود داشته باشد. البته این ناهماهنگی قطعا نمی‌تواند در تحلیل نهایی ادامه پیدا کند و یک جای بُعد، ابعاد دیگر را با خودش هم‌فاز می‌کند.

دوران صفویه یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران بعد از ورود اسلام است که در میان سلسله‌های حکومتی بعد از اسلام، طولانی‌ترین دوره زمانی را به خودش اختصاص داده است. از نظر من، در دوره‌بندی تاریخی صفویه به عنوان یک نقطه عطف و دوره جدید تاریخ ایران مفهوم‌پردازی می‌شود. البته در تمایز با دوران معاصر؛ یعنی دوران صفویه یک گذار از دوران میانه تاریخی ایران به دوران جدید است تا نهایتا در آغاز قرن بیستم ما از دوران جدید تاریخ به دوران معاصر تاریخ گذار می‌کنیم. به عبارتی دیگر، تاریخ جدید ایران از آغاز انقلاب مشروطیت آغاز می‌شود. آقاجری اظهار می‌کند: وقتی از ایران صحبت می‌کنیم، سه سطح از مفهوم را باید از هم جدا کرد: یکی ایران قبل صفویه، دوم ایران فرهنگی و تمدنی و سوم ایران سیاسی. در میان این سه سطح، بنیادلارتین و پرنوساس‌ترین سطح از ایران همین ایران سیاسی است؛ به این معنا که باید گفت صفویان بازتولیدکننده و تنوع‌بخش ایده-واقعیت ایران سیاسی در تاریخ ما هستند.

بعد از فتح ایران به دست اعراب مسلمان، ایران به عنوان یک واحد سیاسی در واحدی بزرگ‌تر و امپراتوری‌وار به نام خلافت ادغام شد و واقعیتی سیاسی به نام ایران وجود نداشت. ایده ایران هم در دو سه قرن اول هجری با وجود جنبش شعوبیه که در قرن دوم و سوم داریم، به حاشیه رانده شد. این ایده از سده چهارم هجری به وسیله کسانی مانند فردوسی و اشرافیت دهقانی در خراسان و ماوراءالنهر دوباره زنده می‌شود اما این ایده هیچ‌گاه تا دوران صفوی تحقق خارجی پیدا نمی‌کند. ایران فرهنگی هم در درون یک عرصه وسیع‌تر به نام تمدن اسلامی قرار می‌گیرد که ایران سهم بزرگ‌تر در این تمدن بزرگ به دوش اختصاص داد.

از دوره صفویان، ایران به کانون سرزمینی برای مذهب شیعه تبدیل می‌شود

صادق‌گندمانی در این نشست گفت: اگرچه صفویان برای به حکومت رسیدن از استدلال‌های کمک گرفتند، اما این باعث نمی‌شود ما آنها را یک حرکت ترکمانی بدانیم. صفویان از یک خاندان فرهیخته شهرنشین برخاستند و از نظر اجتماعی با سلسله‌های قبل از خودشان تفاوت اساسی دارند. او می‌گوید: در آغاز قرن شانزدهم میلادی با تأسیس دولت صفوی واژه دوران جدیدی می‌شویم که یک حکومت سراسری و مرکزی تشکیل می‌شود و نوعی حکومت سرزمینی و نوعی مرز شکل می‌گیرد. همچنین یک انتقال گسترده مذهبی هم اتفاق می‌افتد؛ به این معنا که ایران پیش از صفوی با اکثریت سنی‌مذهب به‌تدریج تحت تأثیر سازوکارهای مذهبی، شیعه می‌شد.

درست است که حکومت صفوی اولین حکومتی است که مذهب تشیع را رسمی می‌کند، اما همین‌ایده از هم جنس یکی نیست. بلکه ما در دوران صفوی طی دوقرن‌واندی شاهد یک کنار هستیم. اجتماعی هم هستیم. یعنی به‌تدریج در قرن دهم و یازدهم جامعه از رایبن شیعی می‌شود. از آن زمان ایران به عنوان نوعی کانون و قلب سرزمینی برای مذهب شیعه می‌شود و مناطق دیگر شیعی به‌نوعی به این محور گرایش پیدا می‌کند.

ایس استاد تاریخ بیان می‌کند: ما امروز در همان واحد سرزمینی و سیاسی که یک استاد می‌خواند. استاد هفتاد درس می‌دهد. اینکه محصل جقدر درس بخواند و خوب بفهمد، به انگیزه خودش بستگی داشت و عموم طلبه‌ها هم با هم ساخته می‌کردند که مطلب را بهتر متوجه شوند. ولی در مدرسه حقانی از ابتدا امتحان مطرح بود و هر دو سه درس پر سال امتحان می‌گرفتند.

مثل دانشگاه‌های مرسوم؟

بله. همه درس‌ها را مرتب امتحان می‌گرفتند و بر این اساس می‌توانستیم به درجه بالاتر برویم. خیلی از طلبه‌ها که از همدان می‌آمدند، ولی مدرسه حقانی، به یک بیان گذاشته شد. استادان برجسته‌ای در تأسیس آن مشارکت داشتند؛ مثل شهید دکتر بهشتی، شهید دکتر مفتح، شهید قدوسی و پدر من علاوه‌بر درس‌های حوزوی، دروس دیگری را هم که مورد نیاز جامعه بود تدریس می‌کردند. به‌جز چند سال اول که ادبیات، منطق و اصول فقه تدریس می‌شد، ریاضیات بیشترفته هم تدریس می‌شد و استادانی از تهران می‌آمدند و ریاضی تدریس می‌کردند یا مکالمه عربی تدریس می‌شد. هم‌اکنون هم بسیاری از استادان حوزه خلیلی خوب عربی می‌فهمند یا می‌نویسند. ولی نمی‌توانند صحبت کنند. ما از ابتدا کلاس‌های آموزش زبان محاوره‌ای عربی داشتیم که استادی عرب‌زبان تدریس می‌کرد. همین‌طور زبان انگلیسی. قبلا در حوزه کسی انگلیسی تدریس نمی‌کرد، ولی در این مدرسه زبان انگلیسی تدریس می‌شد و استاد برجسته‌ای که زبان انگلیسی، زبان مادری‌اش بود انگلیسی تدریس می‌کرد. در دوره‌های بالاتر در اقتصاد هم داشتیم که در آن زمان مرسوم نبود میانی اقتصادی تدریس شود. دروافع علوم روز به دروس حوزوی اضافه شده بود.

در حوزه قرآن تدریس می‌کردند؟

بله. هم حفظ قرآن جزء مواد درسی بود و هم تفسیر قرآن. ویژگی این مدرسه نسبت به حوزه این بود که شما جون آن شرایط را درک نکردید ممکن است برایتان عجیب باشد. در سال‌های دهه ۵۰ به بعد هم در قم داشتن زراعت دیمه‌زارتی بود. ما با مرحوم شهید مصطفی دوروی‌ای با هم ارتباط نزدیکی در قم داشتیم. ایشان به مناطق مرزی جنوب می‌رفت و رادیوهای ارزان را تهیه می‌کرد و برای مناطق هم‌مرز آنها تا استفاده کنند، پولش را هم قسطی می‌گرفت. ما هم مخفیانه از رادیو استفاده می‌کردیم.

که بدرتان موتور نشود؟

هم پدرم و هم سایر افراد در مدرسه که ممکن بود اعتراض کنند که چرا شما رادیو گوش می‌کنید! یکی از مراجع آن زمان در سخنرانی‌اش گفت شنیده‌ام بعضی طلبه‌ها در اتاق‌شان یک جعبه دارند. مقصودش رادیو بود و حاضر نبود آن را ببرد. روزنامه‌خواندن هم ممنوع نبود! در مدرسه ما رسم بر این بود که یکی دو روزنامه می‌خریدند و در یکی از اتاق‌ها می‌گذاشتند. نسبت به ایشان حساسیت زیاد کردند بولی ما در شرح‌شان تمام می‌شد، روزنامه‌ها را می‌خواندند. ولی در مدارس دیگر موسوم نبود. تلویزیون هم بعد از انقلاب وارد منزل ما شد.

آیا رغبت نظر؟

بعضی نمره مطرح نبود؟

خیر. اگرکسی وارد حوزه می‌شد، خودش استادش را انتخاب می‌کرد و هر درسی را یک استاد می‌خواند. استاد هفتاد درس می‌داد. اینکه محصل چ